

ظواهر امر نشان می‌دهد که آقای علی عسگری، تنها مدیریت بخش سخت‌افزاری صدا و سیما، همچون خریده‌ها و تأمین منابع را برعهده دارد، اما در تولید محتوا، کلام ایشان نفوذ چندانی ندارد و گویی اشخاص دیگری در این سازمان، محتوای این رسانه را در مسیری که خود می‌پسندند، هدایت می‌کنند.

یادداشت اکبر ترکان در روزنامه ایران



مشاور رئیس جمهور گفت: ظواهر امر نشان می‌دهد که آقای علی عسگری، تنها مدیریت بخش سخت‌افزاری صدا و سیما، همچون خریده‌ها و تأمین منابع را برعهده دارد، اما در تولید محتوا، کلام ایشان نفوذ چندانی ندارد و گویی اشخاص دیگری در این سازمان، محتوای این رسانه را در مسیری که خود می‌پسندند، هدایت می‌کنند.

اکبر ترکان طی یادداشتی در روزنامه ایران نوشت:

نگاهی به برنامه‌های صدا و سیما در پوشش رویدادهای ملی و کارشناسی، به ویژه سانحه اخیر تصادف قطار در سمنان و بازتاب گزارش‌های منتشره در این باره، نشان از آن دارد که رویکردهای سیاسی و جناحی بر رفتار این سازمان غلبه دارد و بیم آن می‌رود که منافع ملی قربانی اهداف سیاسی شود. درحالی که همه متخصصان گواهی می‌دهند در سانحه تأسف بار قطار در سمنان، سیستم‌های مدیریتی و فنی راه‌آهن به درستی عمل کرده‌اند و علت، خطای انسانی بوده است، معلوم نیست که صدا و سیما براساس چه سازوکار فنی و کارشناسانه‌ای، می‌خواهد نتیجه دیگری را القا کند؟ رفتارها و نوع پوشش گزارش‌های نهادهای رسمی درباره این سانحه در صدا و سیما، ما را به این باور رهنمون می‌کند که این رسانه، تلاش دارد اثبات کند دستگاه‌هایی که با طراحی و مهندسی ایرانیان ساخته شده و با موفقیت کار کرده‌اند، اشتباه و ناکارآمد بوده است. اما چرا این رسانه چنین هدفی را دنبال می‌کند؟

همان طور که وزیر راه و شهرسازی نیز در نامه خود به رئیس صدا و سیما به آن اشاره کرد، در سال‌های گذشته، دلال یک شرکت خارجی در مناقصات مربوط به تهیه این سیستم‌ها شرکت کرده بود، اما پس از شکست، تهمت‌هایی را به مدیران راه‌آهن در دولت قبلی وارد کرد. این فرد، پس از محکومیت در دادگاه، راهی زندان شد، اما اکنون پس از آزادی، بار دیگر ادعاها و سخنان دور از واقعیت خود را تکرار می‌کند و حال عملکرد رسانه ملی این گمانه را ایجاد می‌کند که مبادا صدا و سیما در چنبره برخی دلالان شرکت‌های خارجی اسیر شده باشد. این رسانه در حالی مدیریت وزارت راه و شهرسازی و راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران را زیر سؤال می‌برد که حداقل در این پروژه، مدیران این نهادها در دولت سابق و فعلی، به درستی عمل کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد حادثه اخیر، فرصت دیگری را برای جریان دلالی فراهم کرده است تا این بار از روزنه دیگری مقاصد خود را دنبال کنند. این دلالان، اتفاقاً همان کسانی هستند که از تحریم‌های ناعادلانه علیه ملت ایران، سودهای میلیاردی را نصیب خود کردند. برندگان تحریم‌ها، همچنان سودای روزگار گذشته و سودهای بادآورده را دارند.

با وجود همه انتقادهایی که به رفتار صدا و سیما وارد است، حقیقت این است که چرایی وجود این مشکل را نباید در باورهای رئیس این سازمان، یعنی آقای علی عسگری جست و جو کرد. نه تنها خلق و خوی رئیس این رسانه، خلاف رویکردهای آن است، بلکه می‌توان آقای علی عسگری را از حامیان دولت نیز برشمرد، به ویژه اینکه نوع مطالبی که در گفت‌وگوها از سوی ایشان طرح می‌شود، به گونه‌ای است که گویی با رئیس سازمان دیگری صحبت می‌کنید، نه رئیس صدا و سیما که چنین برنامه‌هایی می‌سازد.

چنین به نظر می‌رسد که آنچه درون سازمان صدا و سیما در جریان است و خروجی آن روی آنتن می‌رود، آن چیزی نیست که

---

از صحبت‌های رئیس این سازمان فهمیده می‌شود، از این رو، می‌توان نتیجه گرفت یا این سازمان، به دستورات رئیس خود توجهی ندارد، یا اینکه اتفاق دیگری روی داده است.

به عبارت دیگر، ظواهر امر نشان می‌دهد که آقای علی عسگری، تنها مدیریت بخش سخت‌افزاری صدا و سیما، همچون خریده‌ها و تأمین منابع را برعهده دارد، اما در تولید محتوا، کلام ایشان نفوذ چندانی ندارد و گویی اشخاص دیگری در این سازمان، محتوای این رسانه را در مسیری که خود می‌پسندند، هدایت می‌کنند. توصیه به آقای علی عسگری این است که خودشان صدا و سیما را مدیریت و مسیر این سازمان را انتخاب کنند، نه اینکه دیگران، این مسیر را تعیین کنند.

---